



بررسی تصویرسازی در اشعار حسین اسرافیلی

دکتر مریم محمودی (نویسنده مسئول)^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

حسن قربانی^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۷

چکیده

در قلمرو شعر دفاع مقدس چند تن از شاعران بیشتر از دیگران نامبردار شده‌اند که از آن میان باید از حسین اسرافیلی شاعر تمام عیار شعر دفاع مقدس نام برد. وی یکی از پرکارترین شاعران ادبیات پایداری است، ولی پرکاربودن مانع توجه او به ساخت ادبی و هنری شعرش نشده است. لذا در مقاله حاضر تلاش شده است مهم‌ترین شگردهای ادبی اسرافیلی برای خلق تصاویر شعری در سه دفتر عبور از صاعقه، تولد در میدان و در سایه ذوالفقار (به عنوان مهم‌ترین آثار او) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بررسی‌ها نشان از بهره‌گیری

^۱ - m.mahmoodi@dehaghan.ac.ir

^۲ - ham_636@Gmail.com

وی از شگردهای بیانی به‌ویژه استعاره، تشبیه و کنایه و نیز صنایع بدیعی همچون تمثیل و تلمیح دارد.

کلید واژه: تصویر، استعاره، تشبیه، کنایه، متناقض‌نما.

۱- مقدمه

اشعار جنگ و دفاع مقدس اشعاری است که در مقطع زمانی خاص یعنی از شروع جنگ (شهریور ۱۳۵۹ تاکنون) دربارهٔ کلیهٔ مسائل مربوط به پایداری و مقاومت ایرانیان در برابر رژیم عراق سروده شده‌است. زبان و بیان این اشعار با نوع نگرشی که شعرا به فضای جنگ داشته‌اند تفاوت می‌یابد. هرچه زمان می‌گذرد و هیجان‌های جامعه فرو می‌نشیند، این نوع شعر نیز آرام‌تر می‌شود و بیشتر در خود فرومی‌رود و شکل هنری بهتری به‌خود می‌گیرد. امروزه اشعار، آن شتاب پیشین را ندارند و شعرا می‌توانند با فراغ‌بال شعر بسرایند و به اندیشه، ایماژها و صور خیال اشعارشان عمق و طراوت ببخشند.

شاعران در زمان جنگ تحمیلی برای عقب‌نماندن از سیر سریع تحولات، انتقال لحظه‌های ناب حماسه‌فرزندان ایران به مردم در قالب شعر و تهییج بیشتر رزمندگان نه فرصتی برای پرداختن به فنون شعری داشتند و نه انگیزه‌ای برای این کار، حالت شاعر در سرودن این گونه اشعار، حالت رزمنده‌ای بود که تنها برای لحظه‌ای کوتاه سراز سنگر به‌درمی‌آورد و تیرهایی را به سمت دشمن شلیک می‌کند و سپس به سرعت به جایش بازمی‌گردد. از این رو، اگر شاعر این جریان در اوج شور و حرارت آن سال‌های بحرانی چندان به شکل شعر خویش توجه نمی‌کرد، زیاد عجیب نیست. او باید حرف‌هایش را سریع، بریده‌بریده، بی‌شکل و با حالتی خشن و پرخاش‌گونه و با بینش شخصی خود بنگرد و به تصویرآفرینی آن پردازد و آن را بر زبان آورد.

۱-۱- بیان مساله

شاعران در اوایل جنگ برای یافتن واژگان خود را به زحمت نمی‌انداختند. هدف آنان القای پیامی صریح و روشن بود: جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی. اما در این شرایط زبان موفق شاعری همچون حسین اسرافیلی که تاثیر بسزایی بر ذهن و ذائقه مخاطب می‌گذارد درخور توجه است و از طرفی می‌توان آن را از بارزترین و درخشان‌ترین تجربه‌های شعری این دوره به‌شمار آورد. چراکه وی شاعری است آگاه و متعهد که با شور و اخلاصی ویژه شعر می‌سراید. شور و حالی که در شعرهای اوست دارای عاطفه‌ای است که از ایمان و اعتقاد راسخ وی سرچشمه می‌گیرد و با لحن حماسی و زیبا تلفیق و ارتباط عمیقی را با واژگان ایجاد می‌کند. همچنین زبانش به زبان دفاع، حماسه و پایداری ویژگی خاصی می‌بخشد و همین امر شعرش را از اشعار دیگر شاعران دفاع مقدس متمایز می‌نماید.

۱-۲- پیشینه تحقیق

اسرافیلی اگرچه از پرکارترین شاعران ادبیات پایداری است و آثار چشمگیری در این عرصه از خود برجای گذاشته و از این رهگذر خود را به شاعری قابل توجه مبدل ساخته، ولی با این حال کمتر کسی در کتاب و اثری جداگانه و به صورت مبسوط به بررسی ابعاد گوناگون ادبی و تعیین میزان بسامد شگردهای بلاغی در آثار او پرداخته است. با توجه به جستجوها و مطالعات صورت گرفته درباره این شاعر متعهد، فقط این چند اثر نوشته شده است: شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰) «شعر مقاومت و دفاع مقدس»، بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۸۲) «حماسه‌های همیشه»؛ ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۴) «شکوه شقایق»؛ قاسمی، حسن (۱۳۸۳) «صورخیال در شعر مقاومت» که در آن‌ها کم و بیش و به صورت کلی و گزینشی درباره آثار اسرافیلی و ساخت و شیوه بیان و ترفندهای هنری و ادبی آن سخن به میان آورده‌اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

نگارندگان برآنند تا با بررسی و تحلیل شیوه‌ها و شگردهای ادبی در اشعار اسرافیلی، در سه دفتر در سایه ذوالفقار، عبور از صاعقه و تولد در میدان که در واقع حاوی مهم‌ترین و برجسته‌ترین اشعار اوست، به نوبه خود تا حدودی زمینه‌های شناخت هرچه بیشتر ساخت و بلاغت شعری این شاعر را برای دوستداران شعر دفاع مقدس فراهم آورند و به‌طور کلی پاسخ‌گوی این پرسش باشند که آیا ساخت اشعار اسرافیلی همچون محتوای ارزشمند آن دارای ارزشی ادبی و هنری هست یا خیر؟ گسترده‌گی شگردهای بلاغی و ادبی در شعر اسرافیلی باعث شد تا نویسندگان صرفاً به بررسی نقش تصویرسازی در شعر اسرافیلی پرداخته و بررسی مسائل دیگر را به مجال دیگر واگذار کنند.

پرسش‌های اصلی این مقاله عبارتند از:

- مهم‌ترین شگردهای ادبی اسرافیلی برای خلق تصاویری شعری کدام‌اند؟

- این شگردها در شعر اسرافیلی چگونه به کاررفته‌اند؟

۲- بحث

۲-۱- کنایه:

کنایه در اشعار اسرافیلی جایگاهی ویژه دارد و در جای جای آثار او می‌توان به کنایاتی اشاره کرد که شاعر به‌وسیله آن‌ها اشعارش را از جنبه ادبی رنگی تازه بخشیده است. از لحاظ آماری بیشترین کنایات را در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» و بعد از آن مجموعه «تولد در میدان» و «عبور از صاعقه» می‌توان یافت. در واقع بیشترین خلاقیت و ابداع اسرافیلی در ساختن کنایه‌های موصوفی است که بیشتر به صورت ترکیبات اضافی و یا وصفی هستند و با تلفیق واژه‌های خوش‌آهنگ و خوش‌تراش خلق شده‌اند. در دیگر انواع کنایه به‌ویژه کنایه‌های فعلی، چندان ابداع و نوآوری به چشم نمی‌خورد.

اسرافیلی در ساخت کنایات موصوفی با سود جستن از خصوصیت خاص زبان فارسی - که در آن امکان ترکیب و تلفیق واژه‌ها با یکدیگر و ساختن ترکیب‌های تازه بسیار

است - در بسیاری موارد دست به آفرینش ترکیب‌های زیبا و شاعرانه‌ای زده‌است که هم اشعار خویش را به وسیله آنها برجسته و ممتاز گردانیده و هم بر غنای واژگان زبان و ادب فارسی افزوده‌است. این قدرت قریحه شاعر در ساخت کنایات موصوفی هنگامی آشکارتر می‌گردد که بدانیم بسیاری از این نوع کنایات در آثار او موصوفی واحد دارد و شاعر هر بار با ابداع صفتی تازه و ترکیب واژگانی نو از آن موصوف به کنایه یاد می‌کند. برای مثال می‌توان به این نمونه‌ها اشاره نمود: کنایه از عراقی‌ها و دشمنان: در مجموعه «در سایه ذوالفقار»: وحشیان خون‌آشام (ص ۱۳)، پلیدان فتنه‌گر (ص ۲۷). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: قوم حرامی (ص ۴۰)، نامرد (ص ۶۶). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: خصم بعثی (ص ۱۷)، قوم سرکش (ص ۱۷).

کنایه از رزمنده: در مجموعه «در سایه ذوالفقار»: عاشقان دشت جنون (ص ۱۵)، فرزند حماسه‌های آزادی (ص ۵۲). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: مردان خطر (ص ۸۷)، تک‌سواران خطر (ص ۴۲). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: مردان آتش پذیر (ص ۹)، هم آنان که ره را به سر رفته‌اند (ص ۱۴)، قوم غیرت تبار (ص ۱۴)، می‌کشان الست (ص ۱۵)، مردان پیکار وصف (ص ۱۷)، پاسداران دین (ص ۱۹).

کنایه از شهید: در مجموعه «در سایه ذوالفقار»: کیست این طاقت گرفت از ما به خون غلتیدنش / خم شده هفت آسمان عشق در بوسیدنش (ص ۶۲)، آن سحرزادان خورشیدی که باز/ بال بگشودند در بازی دراز (ص ۱۰۳). در مجموعه «تولد در میدان»: خوبان گلچین شده (ص ۵۷)، بر آتش زده بال و پر سوخته (ص ۵۸).

همان‌طور که از نمونه‌های یاد شده به‌خوبی آشکار است کنایه در شعر اسرافیلی ابزاری است بسیار مهم در بازگفتی از یک موضوع یا موصوف واحد. به عبارت دیگر اسرافیلی با استفاده از کنایه، هر بار جامه‌ای نو بر تن یک موضوع تکراری می‌پوشاند و بی‌شک این تازه جویی و رنگارنگی عبارات شاعر برآمده از فکر و اندیشه نو و شاعرانه اوست. اغلب کنایات او از نوع کنایات ایمایی است و کنایات رمزی و تلویحی در آثار او

به چشم نمی‌خورد. نکته دیگر، تکرار کنایات است؛ بدین معنی که شاعر گاهی برخی از کنایات - بیشتر کنایات موصوفی - را یا در همان مجموعه و یا در مجموعه‌های شعری دیگر به‌عینه و یا با اندک تغییری به‌کار برده‌است و این موضوعی است که می‌توان بر آن خرده گرفت و آن را دلیل ضعف خیال‌پردازی و تازه‌جویی شاعر دانست. برای نمونه کنایه سوارگان خطر در مجموعه شعر «تولد در میدان» (ص ۴۷) که کنایه از رزمندگان است. در همان مجموعه به صورت تک سواران خطر (ص ۴۲)، مردان خطر (ص ۱۷) و نیز سواران خطر (ص ۵۸) در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» آمده است.

کنایات وصفی:

یکی دیگر از مهم‌ترین نوع کنایات در اشعار اسرافیلی که شاعر سخت به آن دلبستگی دارد و آن را دستمایه هنر شاعری خویش می‌سازد، کنایات وصفی است. شاعر از این رهگذر حالات، اشخاص، مکان‌ها، اشیا و ... را در ابیات متعدد به وصف کشیده و تصاویر زیبایی از آن‌ها خلق کرده است. به‌راستی توصیف کنایی در اشعار اسرافیلی یکی از زیباترین و مؤثرترین شگردهای ادبی در برانگیختن عواطف از سویی و مجالی برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیم بلند مربوط به دفاع مقدس از سوی دیگر است. از این رو باید گفت توصیفات اسرافیلی هم دارای ارزش ادبی است و هم بار معنایی بلندی را بردوش می‌کشد و حاوی پیامی مشخص است. اسرافیلی در جای جای آثار خویش امور، پدیده‌ها و اشخاص مورد نظر را به وصف می‌کشد؛ خواه این توصیفات در قالب‌های کوتاهی چون رباعی باشد و خواه در قالب‌های بلندی همچون مثنوی. برخی از توصیفات او چنان زیبا و تأثیرگذار است که خواننده را بر آن می‌دارد تا بر این نکته معترف گردد که فراخ‌ترین جولانگاه خیال و خلاقیت شاعر در همین حوزه توصیفات کنایی است. مثلاً در مجموعه «در سایه ذوالفقار» درباره آزادگان (ص ۹۱)، در وصف خوزستان (ص ۹۶-۹۷)؛ درباره پیکر شهید (ص ۶۲-۶۳). در مجموعه شعر «تولد در میدان» نیز به این موارد می‌توان اشاره نمود: در وصف خرمشهر (ص ۶۹-۶۵)؛ در توصیف رزمندگان و ایثار و از جان

گذشتگی آنان (ص ۵۰-۴۹)؛ در وصف پاسدار (ص ۸۱-۷۴)؛ در وصف شهیدان (ص ۵۹-۵۷). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: در وصف دل (ص ۱۳-۱۰)؛ توصیف امام (ره) (ص ۲۵-۲۴)؛ وصف رزمندگان (ص ۱۴). توصیفات او سرشار از عواطف و احساسات شاعرانه است و مهم‌ترین خمیرمایه و ابزار آن در این توصیفات، استفاده از ترفندهایی چون استعاره و تشبیه و کنایه است که پویایی صور خیال شاعر را به خوبی نمایان می‌کند.

۲-۲- تشبیه :

در شعر اسرافیلی تشبیه دوشادوش و همگام با استعاره سهم بزرگی در تصویرگری، بسط و تأکید معانی، برجسته ساختن موضوع و... دارد. در آثار او با هر نوع قالب و موضوعی که سروده شده باشد، تشبیه یکی از مهم‌ترین ارکان صور خیال و فن بیان است. از دیدگاه ساختاری بیشترین نوع تشبیه به کار رفته در آثار این شاعر از نوع تشبیه کامل است. این نوع تشبیه هرچند از دیدگاه ادبی کمترین میزان خیال انگیزی در مخاطب را دارد (زیرا ذهن خواننده را دچار چالش و جستجوگری نمی‌کند و با وجود وجه شبه ذکر شده، خواننده تلاشی برای یافتن آن انجام نمی‌دهد و بالتبع چندان لذتی عاید او نمی‌گردد) اما از سوی دیگر شگردی بس کارآمد در توضیح و تبیین اندیشه و معانی ذهنی شاعر و ما فی الضمیر اوست، «قوت و بسطی که از تشبیه و استعاره در کلام پیدا می‌شود، از طریق دیگری ممکن نیست پیدا شود.» (شلی نعمانی، ۱۳۶۸: ۴۴) همچنین ترفند مناسبی است در خلق تصاویر زیبا و تحسین برانگیز به‌ویژه آن که مشبه‌های آن از نوع محسوس باشد که بدون شک در تأثیرگذاری و عینیت بخشیدن بسیار کارآمد است و این دقیقاً همان چیزی است که اسرافیلی در بیان این نوع تشبیهات در پی آن است.

در مجموعه «در سایه ذوالفقار»: مثل آینه‌های خونین شهر / حجم آوارها شکسته مرا (ص ۱۳)، شعر من همچو کودکان یتیم / هم‌ره شهرها به غارت رفت (ص ۱۴)، این که می‌چرخد فراز دوش شهری غرق خون / آفتابی بود اما مثل گل پرپر گذشت (ص ۵۶)، کوه را ماند فرا استاده در طوفان و باد (ص ۶۳)، در چشم باغ چنان شبنم / از گل اثر گرفت ولی

بی‌ما (ص ۷۴)، چون حبایی که خیمه برچیند / محو شد سوی کبریا کوچید (ص ۹۵)، گریه می‌خواهد دلم چونان بهار (ص ۱۰۷). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: چون آذرخش سرکش / در خون و دود و آتش (ص ۸۱)، قلب تاریخ زمینی شهر من (ص ۶۹)، عاشقان چون ستاره می‌آیند (ص ۷۹). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: به بویی شود مثل ابر اشک‌ریز (ص ۱۱)، دلی همچنان جان آینه پاک (ص ۱۳)، ستاندند چون کوه در اتحاد (ص ۱۷)، چنانم موج سیلاب در کارزار / برآریم از خصم یعنی دمار (ص ۱۷).

همان‌طور که از شواهد پیداست اسرافیلی با ذکر وجه‌شبه‌های محسوس هر تشبیه (که اغلب آن‌ها برای خواننده یا شنونده آشکار است و نیازی به ذکر آن نیست) در پی عینیت بخشیدن به تجربه‌های عمیق و پیچیده عارفانه و احوالات غریب روحانی نیست که بیم آن را داشته‌باشد تا برای مخاطب پوشیده و ناملموس باشد و نیاز به شبه‌به‌های محسوس داشته باشد، بلکه با این کار تنها در پی آن است که از یکسو بر حالات، عواطف، معانی و مفاهیم بیان شده‌ی خویش تأکید کند و در انتقال آن به ذهن مخاطب پافشاری کند و از سوی دیگر تصاویری زنده و پویا، گرم و برجسته خلق نماید. از این رو باید گفت انتخاب این نوع تشبیه و گرایش شدید به آن در اشعار اسرافیلی چیزی اتفاقی نیست و از بینش خاص هنری و شم شاعرانگی او سرچشمه می‌گیرد. علاوه بر این در این نوع تشبیهات شاعر سعی دارد تا با ذکر وجه شبه و تأکید بر آن، هر یک از مشبه و مشبه‌به را تداعی‌گر آن دیگری فرا نماید، به عبارت دیگر گویی هر شیشه شکسته‌ای شاعر است و هر لاله سرخی شهید و هر کوه استوار رزمنده‌ای یا بالعکس؛ زیرا این دو یکدیگر را تداعی می‌کنند. بعد از تشبیه کامل، تشبیه بلیغ یا فشرده پرکاربردترین نوع تشبیه در اشعار اسرافیلی است. در این نوع تشبیهات نیز شاعر ترکیباتی تازه و نو آفریده‌است. به‌طور کلی این نوع تشبیه در اشعار اسرافیلی دارای دو ساخت است:

تشبیهات اضافی:

مجموعه «در سایه ذوالفقار»: باران تیغ (ص ۱۲)، آتش نفاق (ص ۲۸)، نخل‌های بلند باور (ص ۵۴)، میدان عشق، ابر چشم (ص ۵۹)، جام عشق (ص ۶۷)، آتش جنون (ص ۷۴)، شقایق‌های زخم (ص ۸۵)، عقیق زخم (ص ۸۵)، حریر خواب (ص ۱۰۱). «تولد در میدان»: مذبح اخلاص و دارهای بلند نجابت (ص ۲۹)، قله عشق (ص ۳۰)، مهر خون (ص ۳۳)، جاده شمشیر و خون (ص ۳۵)، آتش بیداد (ص ۴۱)، خرمن اوهام (ص ۴۸)، گل تکبیر (ص ۴۹)، غنچه وحی (ص ۵۰)، پرده‌های نگاه (ص ۵۳)، خیمه جنون (ص ۵۳)، سمند خطر (ص ۵۷)، نور ایمان (ص ۶۷)، معبد قرار (ص ۷۵)، باره عشق (ص ۷۶)، قلعه آفتاب (ص ۷۶)، برج افق (ص ۷۹). مجموعه «عبور از صاعقه»: راز هستی (ص ۱۰)، خاک معنا و محراب ابرو (ص ۱۳)، حریم سماوات (ص ۲۳)، آشیان نظر (ص ۱۸)، دیو هوی، بال نیاز، بحر ولا، باده نور (ص ۲۰).

از دید تازگی و خیال آفرینی تشبیهات بلیغ مجموعه شعر «عبور از صاعقه» و بعد از آن «در سایه ذوالفقار» دست فرسوده‌تر و تکراری‌تر از تشبیهات مجموعه شعر «تولد در میدان» است و خلاقیت شاعر در ابداع ترکیبات تازه بیشتر در مجموعه اخیر به چشم می‌خورد. نکته دیگر در تشبیهات اسرافیلی (از هر نوعی که باشد) استفاده فراوان او از عناصر طبیعت (کوه، دریا، موج، سیل، صخره و...) در ساخت تشبیهات است و این موضوع را با لحن و موضوع حماسی اشعار او می‌توان مرتبط دانست. اگر چه گونه‌های دیگر تشبیه همچون مجمل، مؤکد و مضمیر نیز در اشعار اسرافیلی به چشم می‌خورد، تعداد آنها محدود و انگشت شمار است.

۲-۳- استعاره:

در شعر اسرافیلی کاربرد استعاره هم قابل توجه است. اگرچه در استعاره‌پردازی چندان موفق نیست و استعارات او اغلب زودفهم و آشکار است، ولی باید انصاف داد در خلق استعارات مکینه تا حدی توانمند است. استفاده به‌جا از عنصر تشخیص توانایی در آفرینش

تصاویر شعری از مشخصه‌های شعری اوست. تشخیص سبب حرکت و پویایی تصاویر شعری شده و به او در تصویر صحنه‌های آمیخته با شور و حماسه و ایثار کمک می‌کند. «اسرافیلی در تصویرهای شعر خود از مظاهر طبیعی بی‌جان نیز سود جست‌ه‌است. البته بیشتر آن‌ها که عمدتاً مظهر حرکت و جنبش‌اند و یا با یک صفت به حرکت درمی‌آیند نمونه‌های زیبایی از تشخیص را به تصویر کشیده‌اند.» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲۰)

استعارهٔ مکئیه در اشعار او بسیار پر کاربردتر از استعارهٔ مصرحه است. اصولاً موضوعات مطرح شده در اشعار او زمینه‌ساز این امر است؛ زیرا این استعاره به فضای عاطفی و تحرک آن کمک می‌کند و از سوی دیگر به کارگیری استعارات دور و شگفت با فضای این موضوعات سازگاری ندارد و از تأثیر و عاطفهٔ آن می‌کاهد. به‌طور کلی استعارات او به-جا، تأثیرگذار، زودیاب و ملموس است. هرچند نمی‌توان کثرت استعارات را در هر یک از مجموعه شعرهای او دلیلی برای برتری دادن آن بر دیگر مجموعه دانست، با این حال مجموعه شعر «در سایهٔ ذوالفقار» بیشترین استعارات را به خود اختصاص داده است. در این مجموعه غزل‌هایی وجود دارد که شاعر در هر بیتی از آن از شگرد استعاره سود جست‌ه است. برای نمونه غزل «تا چند» که در نکوهش دشمنان (عراقی‌ها) سروده شده و در آن مردم را دعوت به پیکار و رزم با آنان کرده است. (صص ۲۷ و ۲۸)

در این غزل زیبا که سراسر ابیات تنها بر حول یک موضوع؛ یعنی پیکار با دشمنان متجاوز می‌چرخد شاعر به‌خوبی و با استفاده از استعارات پی‌درپی و گوناگون در ابیات متوالی توانسته است این موضوع را پیرورد و در هر بیت جامه‌ای تازه بر پیکر آن بپوشاند.

در غزل زیبای «طریق عشق» (ص ۵۹) نیز شاعر با استعارات مختلف در هر بیت سخن را آرایشی دلربا و تأثیرگذار و موضوع غزل؛ یعنی به شهادت رسیدن را برجسته و قابل ستایش می‌گرداند و یا در غزل «تولد در میدان» (که عنوان مجموعه شعر نیز هست) شاعر در سوگ سرودی دربارهٔ شهیدان محراب از موضوعی واحد (شهادت راه جاودانگی است) با بهره‌گیری از استعاره، مضمون‌پردازی‌های گوناگونی کرده است و در

بازگفت‌هایی مختلف، هنر شاعری خویش را به رخ خواننده و مخاطب کشیده‌است. این قدرت بازگفت بدون تکرار لفظ همواره در نزد قدما نیز بسیار حائز اهمیت بوده و یکی از معیارهای برتری؛ چنان‌که صاحب کتاب مرزبان نامه می‌گوید: «یک موضوع معینی را به‌عینه در مواضع بسیار گفته‌ام و به وصف‌های گوناگون جلوه‌گری چنان کرده که هیچ کلمه‌ای الی ماشاءالله از سوابق کلمات متکرر نگشته.» (وراوینی، ۱۳۵۷: ۷۳۷)

در بین قالب‌های شعری غزلیات اسرافیلی هم از دید تعداد و هم از دید نوع استعارات دارای بسامد بیشتر و هنری‌تر است و این موضوع به‌درستی با نوع قالب ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه دارد. در غزلیات شاعر به‌درستی پای استعاره و دیگر ترفندهای هنری را به‌میان می‌کشد تا جذابیت و گیرایی موضوع را دوچندان سازد. تنها در مثنوی «امانت» که در سوگ شهیدان رجایی و باهنر سروده شده شاعر برخلاف دیگر مثنوی‌ها از استعاره بیشتر استفاده کرده‌است. در استعاره‌های مکنیه نیز اکثر این استعارات با نسبت دادن صفتی از اوصاف انسانی به مشبه شکل گرفته است. شاعر با این روش شعر خویش را بسیار پویا و روان و در عین حال پرشور و حال ساخته است. گویی در شعر او همه پدیده‌های هستی اعم از دفتر، پنجره، لاله، بهار، موج و... دارای روح و حیات و شعور هستند.

استعاره‌های مصرحه مجموعه‌های شعر اسرافیلی:

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: کیانند این سروهای رشید / علمدار مردان سبز و رشید (ص ۱۵)، ستاندند چون کوه در اتحاد / نگشتند خم پیش طوفان و باد (ص ۱۷)، هم آنان که در حجره‌های کهن / به احیای قرآن فسرند تن (ص ۱۸)، علمدار این نهضت حق شوند / به هفتاد و دو لاله ملحق شوند (ص ۲۱)، بین چشم تا چشم خط افق / پر از دست بیعت پر از لاله‌هاست (ص ۲۳).

در مجموعه شعر «تولد در میدان»: دیده این دریا بسی طوفان و باد (ص ۳۴)، گرد میدان را بشوی از باره خونین رکاب / کاین سوار عرصه را عزم دیاری دیگر است (ص ۴۱)، سرابخانه ما جای تو نبود آری (ص ۵۴)، کجایید ای سروهای بلند (ص ۵۸)، از هجوم زخم

چنگیز و تبار / کوجه‌هایت شاهد معراج شد (ص ۶۷)، زیر هر گامی شقایق کاشتیم (ص ۶۹)، و آن غباری که می‌رسد از دور / از هجوم پلید رهن‌هاست (ص ۷۶)، گله بدشگون خفاشان / پاس خورشید را نمی‌دارد (ص ۷۷).

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: در تکاپوی نخل‌های رشید / خاک را مشت مشت بو کردم (ص ۱۳)، زمان به کام یزیدیان فتنه‌گر تا چند؟ (ص ۲۷)، با مرگ هزار سرو افتاده به خاک / این جنگل پایدار صیقل خورده است (ص ۷۸)، وطنم از غم گل‌های جوان‌گریه نکرد (ص ۹۲)، لاله‌ها هر چند داغی داشتند / رهنوردان را چراغی داشتند (ص ۱۰۶).

استعاره‌های مکنیه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی:

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: دلی روز و شب بانگ یاهو زده / دلی حلقه بر تاب گیسو زده (ص ۱۱)، که شد آفتاب این چنین شرمسار (ص ۱۵)، دل پاکشان رشک آینه‌ها (ص ۲۰)، به دوش دلم زخم‌ها برده‌ام (ص ۲۵). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: حماسه می‌طلبد سینه را سپر این جا (ص ۴۷)، دوباره عشق مگر خیمه جنون زده‌است (ص ۵۳)، شفق شرمگین از شط خونتان (ص ۵۸)؛ نخل‌هایت سوگوار بس عزاست (ص ۶۵)، چشممان شرمناک دیدن‌هاست (ص ۷۳)، جنگل زخم‌دیده را دریا ب (ص ۷۶)، باد در جامه بلند و سیاه / غرق در اضطراب می‌چرخد (ص ۸۰).

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: عطرتان در مشام جان من است (ص ۱۱)، در بلندای حنجر فریاد (ص ۱۳)، شعر من بی‌امان رجز خوانده‌است (ص ۱۴)، دفتر شعر من نیاسوده‌است (ص ۱۵)، ای کفر تو را چه در سر است این جا (ص ۵۱)، خورشید بارها / بر زخم‌هایشان / هر صبح / بوسه حسرت نشانده‌است (ص ۸۵)، گیسوان بلند نخلستان (ص ۹۸)، شب، ستاره ترانه خواهد خواند (ص ۹۹).

۲-۴- متناقض نما:

در شعر اسرافیلی این شگرد بلاغی به دلیل محتوا و مضمون اشعار او کاربردی چشمگیر ندارد. تنها در سه مجموعه شعری او به چهار بیت از این صنعت می‌توان اشاره

نمود. اگر ساختار متناقض‌نمایی را به سه ساختار: ترکیب‌های وصفی همچون نشان بی- نشان، ترکیب‌های اضافی همچون برگ بی برگگی و جملات با مفهوم متناقض تقسیم کنیم؛ نوع به کار رفته در اشعار اسرافیلی به جز یک مورد که به صورت ترکیب اضافی است، بقیه از نوع سوم است که در آن مفهوم کلی جمله یا همان بیت به ظاهر متناقض است که این امر موجب ابهام و آشنایی‌زدایی گردیده و زیبایی‌آفرین است.

در شعر اسرافیلی موارد کاربرد این صنعت بلاغی همگی مربوط به رزمندگان و شهیدان است. شاعر با خلق این تصاویر متناقض نمی‌خواهد صرفاً محصول پیچیدگی قوه خیال خود را به رخ خواننده بکشد، بلکه در حقیقت می‌خواهد بنیادی‌ترین دلیل به وجود آمدن تعابیر پارادوکسی یعنی بیان ناپذیری تجارب را دربارهٔ انسان‌های وارسته‌ای به کار برد که همچون عارفان حقیقی دارای تجربه‌های ژرف و شناختی عمیق هستند؛ به عبارت دیگر این مفاهیم متناقض در اشعار اسرافیلی نه حاصل تجربه‌های شخصی خود شاعر است، بلکه از بزرگی و والایی کسانی حکایت می‌کند که به زعم شاعر نمی‌توان به شناخت کنه مقام آنان رسید و این همان موضوعی است که اسرافیلی در پی آن است. این گونه کلام بدون شک در بافت سخن موجب ابهام می‌شود و از آنجا که در فهم سخن از سوی مخاطب موجب درنگ می‌گردد و ادراک معنا را به تعویق می‌اندازد هم باعث ایجاد لذت در او می‌شود و هم او را به تأمل و تکاپوی ذهنی برای رسیدن به معنا و مقصود شاعر وا می‌دارد. وقتی شاعر می‌گوید: خواب دیدم باز نخلی سر نداشت / بال می‌زد مردی اما پر نداشت، در واقع با این کار معنای مقصود خویش را برای مخاطب برجسته و غریب می‌سازد و شگفتی او را برمی‌انگیزد و او را با این سخن مبهم به تفکر در چند و چونی آن وادار می‌سازد. دلیل این که تعابیر پارادوکسیکال او از نوع ترکیبات وصفی و اضافی نیست و بیشتر از نوع جملات با مفهوم متناقض است شاید همین باشد؛ زیرا شاعر همانند شاعرانی چون بیدل یا خاقانی و نظامی نیست که تنها سعی در ایجاز و فشرده‌سازی کلام خویش دارند و از این تصاویر به دنبال به‌نمایش گذاشتن قدرت قریحه

خویش در تصویرپردازی و مضمون پردازی‌های شاعرانه هستند و معنا را فدای لفظ می‌کنند. نمونه‌هایی از این تصاویر: در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: گرفتار زنجیر، اما رها (ص ۱۲)، بلند است فریادشان در سکوت (ص ۱۴)، همین سرفرازان افتادگی (ص ۱۷). در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: بال می‌زد مردی اما پر نداشت (ص ۱۰۲).

۲-۵- تلمیح :

در شعر اسرافیلی تلمیح نیز کاربردی در خور توجه دارد و شاعر از آن در آرایندگی کلام و تقریر اندیشه بهره گرفته‌است. در شعر او گرچه زمینه‌های موضوعی‌ای که این تلمیحات در آن به کار رفته باشد، گوناگون نیست و تنها مرتبط با دفاع مقدس است، اما شاعر در اغلب مواضع به خوبی توانسته از این صنعت در بیان احساسات و معانی خویش سود جوید. اسرافیلی به‌ویژه در به‌کارگیری تلمیحات مربوط به اساطیر یا تاریخ ایرانی، نسبت به تلمیحات مربوط به تاریخ عرب استادانه‌تر عمل کرده و به سخن خویش هم از دید صورت و ظاهر و هم از دید معنا جذابیت و تأثیرگذاری و ژرفا بخشیده‌است. این گونه از تلمیحات در اشعار او با استعاره همراه است که با خاصیت فشرده‌گی استعاره و پوشیده بودن تأثیر آن را دوچندان نموده‌است. به عبارت دیگر بهره‌گیری از تلمیح در این موارد به صورت خام نیست. «برخی از شاعران از تلمیحات به صورت خام استفاده می‌کنند، مثلاً شیرین و شکر و پرویز فقط کنار هم چیده می‌شوند یا آن که رابطه‌های آن‌ها بسیار آشکار و غیرهنری است و یا آن که ارتباط آن‌ها منجر به معنای درخوری نمی‌شود. حال آن‌که برخی از شاعران استاد در استفاده از تلمیح تمام ملزومات را در نظر می‌گیرند و گاه در هر ملزومی نیز رعایت ایهام می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵)

نمونه‌هایی از این گونه تلمیحات هنری: در مجموعه شعر «تولد در میدان»: خون صد فرهاد بر این تیشه است (ص ۳۴)، هنوز خون سیاوش به طشت توران است (ص ۴۰)، نوح

این دریا نگاهش بر کناری دیگر است (ص ۴۱)، که حجم دشت پر از بوی محمل لیلست (ص ۵۳). در مجموعه «در سایه ذوالفقار»: حرم پر از بت و بت‌هاست ای تبرداران (ص ۲۸)، نوح اینجا می‌شود بازیچه گردابها (ص ۶۱).

در این تلمیحات واژه‌ها و ترکیبات فرهاد، تیشه، خون سیاوش، طشت توران، آتش فرهاد، کوهسار، نوح، دریا، نوح، کناری دیگر، یعقوب، پیرهن، عشق، محمل لیل، حرم، بت، تبرداران، همگی استعاره‌اند و شعر را بسیار خیال‌انگیز و مؤثر ساخته‌اند. اما در برخی دیگر از تلمیحات که بیشتر مربوط به تلمیحات سامی یا عربی یا مربوط به اتفاقات صدر اسلام است از آنجا که یا بیشتر اجزای سازنده تلمیح در بیت ذکر شده‌است و یا اجزای تلمیحی در معنای اصلی خویش و در اشاره صریح به همان داستان یا حادثه دارد، گیرایی و تأثیرگذاری چندانی به چشم نمی‌خورد. برای نمونه: در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: در اشتیاق امام / چون ویس از قرن (ص ۸۱)، انا الحق سرودیم منصوروار (ص ۷۵)، دور باد از گوش مجنون صحبت پیران عقل / تا نسازد پندها از یاد لیلی غافلش (ص ۵۹). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: و منا را به استجابت امر / آن‌چنان نجیبانه رهسپار شدی / که هاجر از دل شفاف آن سوی زمزم / نگاه خود برداشت / از گلوی اسماعیل (ص ۳۰)، دیده این وادی بسی حلاج‌ها (ص ۳۴). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: گهی خون یحیی به طشتی شکفت / گهی دار اسرار تمار گفت / گهی تیغ بشکافت فرق منیر / گهی گشت دیوار و در شعله گیر (ص ۱۰)، به ظهر عطش اقتدا می‌کنند / به مولای خود جان فدا می‌کنند (ص ۱۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این تلمیحات بر خلاف تلمیحات گذشته استعاره جای خویش را به تشبیه داده و شاعر از تلمیح استفاده‌ای خام و پیش پا افتاده کرده‌است و در خواننده ایجاد لذت هنری نمی‌کند. تلمیحات صریح قرآنی و احادیث نیز اگر چه با موضوع اشعار و شخصیت شاعر رابطه‌ای مناسب و قابل قبول دارد، ولی چندان در شعر اسرافیلی کاربرد ندارد و شاید به دلیل لحن حماسی اشعار مجال ظهور آیات قرآن و

احادیث در آنها کمتر است؛ زیرا این گونه تلمیحات بیشتر مختص ادبیات تعلیمی و اخلاقی یا عرفانی است و در ادبیات حماسی چندان نمی‌توان از آن بهره گرفت. تنها به این نمونه‌ها می‌توان اشاره نمود: در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: تا جاری شط کوثر است اینجا / ترویر و نفاق ابتر است اینجا (ص ۵۰)، بگو با تو راز کدام آتش است / که می‌خواندت سوی سینا شدن (ص ۶۷).

از میان تلمیحات دینی، تلمیحات مربوط به واقعه کربلا بسیار مورد توجه شاعر است: در مجموعه شعر «تولد در میدان»: باز سرها به نیزه می‌خواهند / خولیان در پناه جوشن‌ها/ هان مبادا حسین دیگر بار / در مصاف یزیدیان تنها (ص ۷۸). در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: ظفرنثار شما باد یاوران حسین / به فتنه‌های یزید این همه شرر تا چند (ص ۲۸). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: به ظهر عطش اقتدا می‌کنند (ص ۱۴).

از میان تلمیحات مربوط به داستان‌های ایرانی بیشترین اشاره به داستان‌های فرهاد و کندن بیستون است و از تلمیحات مربوط به داستان‌های قرآنی داستان ابراهیم (شکستن بت‌ها، در آتش افتادن، بریدن گلوی اسماعیل) بالاترین بسامد را دارد. در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: شوق اسماعیل را دارد گلوی عاشقان / گو ببارد تیغ ابراهیم از آذر گذشت (ص ۵۵). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: دلی کز پی عشق بی‌غش رود / چنان پور آذر در آتش رود (ص ۱۱).

یک نکته قابل توجه در تلمیحات اسرافیلی این است که همه تلمیحات چه ایرانی مانند فرهاد و شیرین، سیاوش و چه غیرایرانی مانند ابراهیم، نوح، اسماعیل، یعقوب، یحیی و... و چه قرآنی در شعر او کارکردی حماسی دارد. مثلاً اگر فرهاد و شیرین و لیلی و مجنون در ادبیات غنایی نماد عاشقان واقعی هستند، در شعر اسرافیلی تبدیل به نماد شجاعت و دلآوری شده‌اند و رنگی حماسی به خود گرفته‌اند. نسبت به دو مجموعه دیگر در «تولد در میدان» از دیدگاه ادبی تلمیحات بسیار خامند و شاعر گویی بر طبق سنت شعری تنها سعی در ذکر برخی تلمیحات به صورت اشاره‌وار دارد و در هیچ یک

از آن‌ها ذوقی ادبی به خرج نمی‌دهد. از نگاهی دیگر باید گفت دایره تلمیحات در اشعار اسرافیلی بسیار محدود است و شاعر تنها به چند شخصیت و داستان مربوط به آن‌ها علاقه نشان می‌دهد، آن هم تنها از یک بعد داستان. تلمیحات تازه و نو و بی‌پیشینه یا حداقل بازگفتی تازه نسبت به گذشتگان در این سه مجموعه به چشم نمی‌خورد.

۲-۶- تمثیل:

در اشعار اسرافیلی این شگرد بلاغی دیده می‌شود، ولی از آنجا که این شگرد ادبی مختص ادبیات تعلیمی و اخلاقی است: «تمثیل با تجسم بخشیدن و تصویر کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی را ساده می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷۳) و شعر اسرافیلی، شعری حماسی و مربوط به دفاع مقدس است، کاربرد آن چندان چشمگیر نیست. از میان آثار او در مجموعه شعر «عبور از صاعقه» حتی یک نمونه از این شگرد هم دیده نمی‌شود، ولی در دیگر آثار او تمثیل کاربردی بیشتر دارد و شاعر در برخی از غزل‌ها برای استوار داشت مدعا که غالباً در مصراع اول بیت مطرح می‌شود، تمثیلی را که در واقع از دید معنایی جانشین آن است در مصراع دوم بیت آورده است. بیشتر تمثیلات شاعر از نوع اسلوب معادله و در حقیقت گونه‌ای از جانشینی گسترده مجموعه‌ای از نشانه‌ها به جای مجموعه‌ای دیگر است که از دیدگاه ادبی همان بیان هنرمندانه از یک موضوع غیرادبی و یا معمولی است. یک نکته مهم در نوع تمثیلات اسرافیلی این است که بسیاری از تمثیلات او به دلیل شمول و فراگیری می‌تواند به راحتی به شکل مثل سائر درآمده و بر زبانها بیفتد، مانند این بیت در مجموعه شعر «تولد در میدان»: سرابخانه ما جای تو نبود آری / نهنگ حادثه را آشیان دل دریاست (ص ۵۴) و در مجموعه «تولد در میدان» کاروان بی کاروان سالار نیست / مصطفی بی حیدر کرار نیست (ص ۳۵).

یک نکته دیگر که درباره تمثیلات اسرافیلی در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» می‌توان به آن اشاره نمود آوردن تمثیلات پی‌درپی در ابیات متوالی است. البته در این ابیات تمثیلات یک مدعا ندارند - به گونه‌ای که گاه در ده بیت پی‌درپی برای یک مدعا و موضوع تمثیلات گوناگون آورده و موجب اطناب می‌شود. از شواهد پیداست که به-کارگیری عناصر طبیعت که برای خواننده ملموس است، در تمثیلات اسرافیلی امری است کاملاً آشکار و به گیرایی و اثرگذاری آن کمک شایانی کرده است. به نمونه‌هایی از تمثیلات در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» اشاره می‌شود: وطن به کام پلیدان فتنه‌گر تا چند؟ / شکوه باغ به طوفان خیره سر تا چند؟ (ص ۲۷)، در طریق عشق خاکستر شدن عین بقاست / سعی پروانه است اگر در آتش افتد منزلش (ص ۵۹)، منزل آن جان قدسی محبس این خاک نیست / کی نشیند آفتابی در حصار قاب‌ها / بیم ویرانی است از باران گریه دیده را / خانه ویران می‌شود آری پس از سیلاب‌ها (ص ۶۱).

به‌طور کلی باید گفت اگر چه تعداد تمثیلات به کار رفته در آثار اسرافیلی چندان بالا نیست - که البته این امر با نوع محتوای آثار او رابطه‌ای مستقیم دارد - ولی با بررسی همین تعداد محدود باید انصاف داد اسرافیلی در پرداخت تمثیلات دستی توانا دارد و تمثیلات او در بسیاری موارد زیبا، مؤثر، زودیاب، تک معنا و به دور از پیچیدگی و فشرده‌گی است، هرچند برخی از آنها با بازگفت‌های متفاوت در شعر شاعران پیشین سابقه داشته است.

۲-۷- حس آمیزی:

از صنایع مهم ادبی است که در متون ادبی جایگاه خاصی دارد. حس آمیزی با ادبیات هم‌منشأ و هم‌زاد است، چراکه منشأ ادبیات حس ناخودآگاه و الهامی فراشعوری است که در زبان جاری می‌شود و حس آمیزی نیز از همین منشأ سرچشمه می‌گیرد و بدین علت است که در متون عرفانی حس آمیزی کاربردی بسیار دارد. البته در شعر اسرافیلی زبان هنری و ادبی اسرافیلی نیست که خالق حس آمیزی است؛ به عبارت دیگر

اسرافیلی هنرمندی نیست که زبانی خاص و برجسته داشته باشد و مبتکر زبان خاصی باشد. چون زبان خاص، فکر و اندیشه و جهان بینی خاص می‌طلبد و اسرافیلی دارای چنین فکر و اندیشه و جهان بینی و در پی آن زبان خاص نیست. پس آنچه که در شعر اسرافیلی به عنوان حس آمیزی مطرح است اندیشه عرفانی و موضوع شهادت و سیر انفسی رزمندگان و جهان فرامادی است که رزمندگان با عمل و رفتار خود آن را نشان دادند و اسرافیلی برای بیان آن ناگزیر از آوردن چنین ترکیبات نامأنوسی بوده است؛ پس شاعر در این وادی تنها روایتگر آن لحظات و آن حس‌ها بوده نه اینکه آن‌ها را خلق کند. برای نمونه مفهوم شهادت مجاهدان و ایثارگران و معانی همه رفتار آنان را سعی کرده است با واژه «سرخ» برساند که این واژه بیشترین کاربرد حس آمیزی را در اشعار او دارد. در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»: عروج سرخ (ص ۱۳)، غیرت سرخ (ص ۵۷)، عروج سرخ (ص ۵۹). در مجموعه شعر «تولد در میدان»: مناجات سرخ (ص ۶۶). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: پیمان سرخ (ص ۱۶).

غیر از حس آمیزی‌هایی که با واژه سرخ در اشعار او می‌توان به آن اشاره نمود، شواهد بسیار کمی باقی می‌ماند که آن هم بیشتر مربوط به رفتار و آداب رزمندگان و یا شهیدان راه خداست که ایجاب کرده است با حسی فراتر از حس مادی گفته شود تا معنا و مفهوم آن را برساند. در مجموعه شعر «تولد در میدان»: بوی آیات خدا می‌دهد آوای شما (ص ۵۰)، شعله شیرین ما در کوهساری دیگر است (ص ۴۲)، قامت سبز ترا خون رنگ زد (ص ۶۶)، چشم‌هایت حماسه می‌خواند (ص ۷۵). در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»: چشم خونبارتان تبسم داشت (ص ۵۳).

۳- نتیجه گیری

بررسی ساختار اشعار اسرافیلی در سه مجموعه تولد در میدان، عبور از صاعقه و در سایه ذوالفقار این یافته‌ها را به دست داده است: مهمترین شگردها و ترفندهای بیانی و بلاغی به کاررفته در تصویرپردازی‌ها و مضمون آفرینی‌های شاعرانه و در ادبیت بخشیدن

به ساختار و شکل اشعار در این سه مجموعه، پرکاربردترین شگردها یعنی تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح و تمثیل است که در هریک از ادوار شعر فارسی به تناوب و تناسب مورد استفاده شاعران قرار گرفته است. البته از میان این ترفندها بیشترین علاقه شاعر به تشبیه و بعد از آن استعاره و کنایه است که بی تردید این امر با نوع موضوعات بیان شده در این آثار رابطه مستقیم دارد. بعضی از دیگر شگردها نیز یا اصلاً به چشم نمی‌خورد و یا از دیدگاه بسامد چندان قابل ملاحظه نیست. به‌طور کلی باید گفت شاعر در این محدوده هر چند چشم به ادبیات و شاعران گذشته دارد، ولی با وجود این در برخی از موارد نوآوری‌هایی به‌ویژه در خلق ترکیبات تشبیهی دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- اسرافیلی، حسین. (۱۳۶۵). **تولد در میدان**، چاپ دوم، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱- (۱۳۷۲). **در سایه ذوالفقار**، چاپ اول، تهران: دفتر حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.
- ۲- (۱۳۷۶). **عبور از صاعقه**، چاپ دوم، تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و سی و شش هزار شهید استان تهران.
- ۳- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۳۷۴). **اسرارالبلاغه**، ترجمه جلیل تجلیل، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- شبلی نعمانی. (۱۳۷۷). **شعرالعجم**، ترجمه محمدتقی فخر دایی گیلانی، چاپ چهارم، تهران: ابن سینا.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). **صور خیال**، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۶- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). **بیان**، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.
- ۷- (۱۳۷۷). **معانی**، چاپ پنجم، تهران: نشر میترا.
- ۸- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). **بلاغت تصویر**، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۹- قاسمی، حسن. (۱۳۸۳). **صور خیال در شعر مقاومت**، چاپ اول، تهران: فرهنگ گستر.

۱۰- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۷۵). **مرزبان نامه**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ ششم، تهران: صفی علیشاه.